

# افغانستان، بار دیگر قرار گاه تروریسم بین المللی! چرا؟

عبدالله هروی



اند که از زیر ضربات نیروهای با اصطلاح انتلاف ضد تروریسم جان به سلامت برده اند و اینگونه با خاطر آسوده خاک در قدم افغانستان می گذارند؟ به قول رئیس جمهور روسیه دستگاه های استخباراتی قوی نیروهای ناتو آیا واقعا عاجز هستند که مراکز و مسیرهای اگملاتی نیروهای داعش را شناسایی نتوانند؟

هرچه هست به نظر می رسد این اعلام نظر ها و هشدار ها از سوی فرماندهی نیروهای ناتو، یک مسئولیت انسانی و تاریخی و منطقه ای را متوجه خود شمان می سازد. آنان باید به وجدان انسانی پاسخ بدهند که بازنده داعیه مبارزه با تروریسم نتیجه اش قدرت های غربی مثل امریکا و انگلیس این قدر عاجز و ناتوان هستند که از شناسایی و سرکوب یک گروه کوچک بنام داعش ناتوان هستند؟... واقعیت امر آنست که وضعیت بسیار پیچیده است، مردم افغانستان نسبت به جامعه بین المللی برپوشش های بی پاسخ زیادی را دارند. بی توجهی جامعه بین المللی در مورد سرکوب قطعی و جدی تروریسم به هر بهانه ای سرانجامش رویدادهای پیش از بازدهم سپتامبر را تکرار خواهد ساخت. تکرار آن رویدادها نصب جامعه غربی نیز خواهد شد. در این میان دولت مردان افغانستان نیز مسئولیت دارند که با جدیت اقدام کنند. شایرایی واقعی قضیه را برای مردم افغانستان روشن سازند که در پشت پرده چه می گذرد؟ یکی از راه های سرکوب موجود بیش از این وسیعتر گردد. شفافیت در حکومت و مسئولیت پذیری آنان سبب خواهد شد که دموکراتان با برخورداری از قدرت و اراده ملی با دوستان بین المللی تعامل نمایند. در نبود اراده ملی در عقبه حکومت وحدت ملی، دنیا هم در محاسبات خود افغانستان را بشمار نخواهد آورد. و این همان اتفاقی است که تا حال بازگران منطقه ای خواسته اند که وجود داشته باشد و برای سالیان نیز باقی بماند.

چند سال گذشته به گونه ی نامناسب در حال رقم خوردن است و هر روز با شتاب غیرقابل باور، به سمت وخیم تر شدن حرکت می کند. اگر بخاطر از نبود زمینه لازم از شرح و بسط موضوع عبور نموده و اشاره وار بیان کنیم به نظر می رسد کم از کم دو عامل عمده نسبت به سایر عوامل در فراهم ساختن وضعیت کنونی کشور نقش اساسی را دارد: یکی، ضعف مدیریت داخلی و گسترده تر شدن و گراپی های سیاسی و دیگری، تشدید و توسعه یافتن مداخلات و توطئه های خارجی علیه ثبات و امنیت کشور. هر دو عامل، سبب گردیده است که با گذشت هر روز وضعیت کشور را بیش از پیش بیسوی بحران و ناامنی سوق دهد. ناامنی که مانع عبور افغانستان از بحران های گذشته می شوند و از سویی هم، روند بازسازی را در کشور به صورت چشم گیری کند و بطی و متوقف ساخته اند. در این میان باید تأکید ورزید که متأسفانه گسترش فعالیت های استخباراتی بیش از هر عامل دیگر در وخیم تر شدن اوضاع نقش داشته است. چنانچه بارها نیروهای داخلی مدعی بازداشت و دستگیری عناصری هستند که متهم به تهیه و اطلاع ساری و یا مشارکت در جنگ ها و عملیات های انتحاری شده اند. همین طور در مواردی حتا سخن از وجود ستون

ایجاد نیروهای دفاعی و امنیتی چه بوده است؟ همبظور اعضای انتلاف بین المللی و نیروهای ناتو باید پاسخ بگویند شما که برای مردم افغانستان این همه هزینه نمودید و مدعی موفقیت مبارزه با تروریسم بوده اید، نتیجه این مبارزه شما چیست؟ آیا نتیجه همین است که سرانجام اعلام دارید که مردم افغانستان این بار به تیغ جلدان داعش سپرده خواهند شد؟ پاسخ هرچه باشد باید مسئولانه و شفاف باشد. به نظر می رسد پیش از آن نیز باید موضوع مورد بحث و بررسی قرار گیرد. آنچه در اینجا مورد هدف می باشد این است که چرا امنیت در کشور تا همین نگرید و ریشه ادامه بحران در کجاست؟

همانطور که قبلا هم اشاره گردید بازم تاکید می گردد که برخلاف انتظار عموم، مردم ما در سال جاری با تحولات بس ناخوشایند و نگران کننده و خونینی دست و پنجه نرم کرده اند و هنوز هم گرفتار آن می باشند. از هم گسختگی و حتا تقابل قوای سه گانه دولت با یکدیگر، تشدید و گسترش ترورهای زنجیره ی و کشتارهای سازمان یافته، بی نتیجه بودن مبارزه با فساد اداری، گسترش و پیچیده تر شدن توطئه ها و مداخلات خارجی، گسترش فقر و بیکاری، فرار جوانان و مردم از کشور و... از مواردی هستند که نشان دهنده این است که بر خلاف تصور، وضعیت کشور طی

## تحلیل هویتگرایی افراطی با استفاده از تئوری انتخاب عقلانی

مجتبی محکم / قسمت دوم

دنیای مدرن برقرار کنند، برای جبران ضعف تحمیلی بر خود، به بازیابی هویتی خویش با اتساع به جهاد روی آوردند.» (جمالی، ۱۳۹۰:۱۵۸) پیامد فرهنگ خشونت، خشونت فرهنگی است که می توان آن را واکنش به انکار هویت، امنیت و معنای نمادین حیات گروه تعریف کرد. (روپینگه، ۱۳۷۹:۱۲۸) در نتیجه، ششاری که از طرف غرب بر این جوامع وارد شده، به جای اینکه آنان را غربیگر کند، به سستی و غرب و مظاهر آن کشنده است. بنابراین بر اساس تعریف ارائه شده در این پژوهش، این رفتار، رفتاری افراطی بوده است.

در زمینه مسائلی اقتصادی نیز، چنین رفتاری خلاف انتظار افراطی، رخ می دهد. به این معنا که گاهی، افزایش قیمت یک کالا، به جای اینکه مصرف کننده را به تسوی کاهش خرید، گرایش دهد، او را به سوی افزایش خرید آن کالا می کشاند. البته تئوری اقتصاد خرد بر پایه عقلانیت، دلیل بروز این وضعیت را توضیح می دهد و در واقع اینکه تئوری اقتصاد خرد، با فرض عقلانیت می تواند البته این تعریف مجرد از شواهد موجود اما هدف این پژوهش آن است که نشان دهد، گاهی یک کششگر به دلیل شرایطی که در آن قرار دارد و بر پایه عقلانیت، مجبور به انجام رفتاری افراطی می شود. به عبارت دیگر قصد این پژوهش این نیست که همه رفتارهای افراطی را عقلانی تلقی کند، بلکه هدفش شناسایی آن گروه از رفتارهای افراطی است که بر اساس عقلانیت رخ می دهند. تئوری اقتصاد خرد یا تئوری قیمت، رفتار اقتصادی واحدهای تصمیم گیری انفرادی نظیر مصرف کنندگان، صاحبان منابع و بنگاههای تجاری را در یک اقتصاد آزاد (که دولت بر آن کنترلی ندارد)، مورد مطالعه قرار می دهد. (سالواتوره، ۱۳۶۷:۱۰) به بیان دیگر، اقتصاد مطالعه تخصیص صرفه جویانه منابع کمیاب فیزیکی و انسانی بین هدفهای رقیب است؛ تخصیصی که هدف پهنه کننده یا بیشینه کننده تصریح شده ای را به دست می دهد.



شود، شخص، آن رفتار بیشتر بروز می دهد. حتی اگر شخصی هنگام مواجه شدن با تغییر در میزان سختی های حاصل از انجام یک رفتار، میزان انجام آن را تغییر ندهد و به وضعیت جدید بی اعتنا باشد، رفتارش افراطی محسوب نمی شود. البته این تعریف مجرد از شواهد موجود درباره افراطی گری مطرح نشده است. بلکه این اتفاق نظر وجود دارد که افراد افراطگرا، هنگام مواجهه با فشارهای محیطی، بر انجام رفتار خود، بیشتر اصرار می ورزند. به عبارت دیگر، انتظار این است که وقتی فشاری از خارج به یک شخص تحمیل می شود تا آن شخص را به سویی گرایش دهد، آن شخص نیز به همان جهت بگراید یا حداقل در حالت قبلی خود باقی بماند. اما آنچه درباره یک شخص افراطگرا رخ می دهد، کاملاً برخلاف انتظار است. «پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، اشغال عراق و افغانستان بخش مهمی از میانه های هویتی گرایش به افراطگرایی را در خاورمیانه برانگیخته است. ... با تسلط مدرنیسم غربی بر جوامع اسلامی و پیامدهای سیاسی و اعتقادی آن، سطحی از مسلمانان در واکنش به تحولات این عصر و وضعیتی که دارند و جایگاهی که باید داشته باشند و نسبتی که باید با

فوق، افراطگرایی نوعی مقابله با طرف مقابل و سایر اطراف است. در تعریف دیگری که از افراطگرایی مطرح شده نیز نحوه مواجهه با دیگران مد نظر قرار گرفته است. «نوعی رفتار خشونت گرای هدفمند که پشتوانه های بسیار قوی هویتی و ایدئولوژیک دارد و در پی صدمه زدن به دیگران است.» (جمالی، ۱۳۹۰:۱۴۶) علاوه بر مواجهه با طرف مقابل، آنچه در این دو تعریف مورد اشاره قرار گرفته است، نوعی شدت عمل و خشونت ورزیدن است. البته اشاره به حقوق انسانی در تعریف اول و توجه به مفهوم هویت در تعریف دوم، مهمترین وجوه تمایز این دو تعریف است. البته برتری تعریف دوم نسبت به تعریف اول و وضوح اشاره آن به رفتار بودن افراطی گری است. چرا که در تعریف اول مرز میان اندیشه و رفتار مخدوش شده است. البته ایرادی که به هر دو تعریف وارد است، محدود بودن این تعاریف به حیطه مسائل سیاسی است و این تعریفی نمی توانند بروز رفتار افراطی در سایر زمینه های انسانی همچون اقتصاد را توصیف کنند. البته نقطه قوت این دو تعریف توجه هر دو تعریف به محیط اطراف، تحت عنوان مواجهه با دیگران است.

در پژوهش حاضر، افراطی گری این گونه تعریف شده است: «افراطی گری به معنی انجام رفتار افراطی است و رفتار افراطی، رفتاری است که شخص هنگام مواجهه با افزایش سختی ها و فشارهای حاصل از انجام آن رفتار، آن رفتار را بیشتر انجام می دهد و با کاهش سختی ها و فشارهایی که به دلیل انجام آن رفتار محتمل می شود، از میزان تکرار یا ادامه آن رفتار، می کشد.» در واقع در این تعریف سعی بر این است که توصیفی جامع، از افراطی گری ارائه شود تا این تعریف، قابل تمییم به حوزه بررسی همه علوم انسانی باشد. همچنین در این تعریف به تغییرات محیطی به عنوان عامل بروز رفتار افراطی اشاره شده است. از دیگر نکاتی که در این تعریف مورد توجه قرار گرفته است، رفتار بودن افراطی گری است. بر این اساس شخص افراطگرا کسی است که رفتار افراطی از خود بروز می دهد، فارغ از اینکه چه اندیشه ای داشته باشد. در واقع افراطگرا بودن یک شخص، بر اساس این تعریف، فقط ناظر به زمینه ای

راجر اسکروتن در فرهنگ اندیشه سیاسی، افراطگرایی را چنین تعریف می کند: اصطلاحی مهم که می تواند حسای این معانی باشد اندیشه های سیاسی را به حد افراط کشاندن، بدون توجه به عواقب ناگوار جنبه های غیر عملی بحثها و احساسات مخالف که هدف از آن نه تنها مقابله، بلکه در هم شکستن هر نوع مخالف باشد. ۲. عدم رواداری نسبت به همه دیدگاهها غیر از دیدگاه خود. ۳. توسل به وسایلی برای کسب اهداف سیاسی که حاکی از بی حرمتی نسبت به زندگی، آزادی و حقوق انسانی دیگران است. (ویلکاکس، ۱۳۸۲:۱۶) در این تعریف، مقابله با دیگران مفهوم محوری گرفته است. در واقع بر اساس تعریف

کارتون روز  
آلودگی هوا



## سرمقاله افغانستان و ایتلاف جدید ریاض

عبدالرحمن فهیمی

عربستان سعودی از تشکیل ایتلاف نظامی اسلامی خبر داده است. در این ایتلاف ۳۴ کشور مسلمان منشکل از کشورهای عربی و غیر عربی شرکت کرده اند. سفیر عربستان سعودی در کابل، از حکومت افغانستان درخواست کرده است، تا به این ایتلاف بپیوندد. به گفته وزیر امور خارجه پیش از طرح این بحث از سوی سفیر، از طرف مقام های بلند رتبه این کشور نیز این بحث مطرح شده است.

عربستان سعودی پس از آغاز تحولات سیاسی زیر نام بهار عربی، به گونه جدی تر وارد بازی های منطقه ای شده و پس از فوت ملک عبدالله و به قدرت رسیدن ملک سلمان، تمایل این کشور به نقش فعال در منطقه بیشتر از پیش شده است. به بصورت، این که تصمیم گیرندگان حکومت وحدت ملی چه رویکرد را گزینش می کنند و به درخواست عربستان پاسخ مثبت می دهند یا منفی؟ موضوع است که بعدا معلوم خواهد شد. اما از نظر این نگارش موزج دو بحث به صورت قابل طبع و مکت است:

در یک توافق اعلام نشده، گروه ها و جریان های سازمان یافته ای که دست به خشونت می زنند، تروریست نامیده می شوند. لیکن روی مصداق های عملی همواره اختلاف نظر وجود داشته است. کشورهای ایتلاف چه گروه ها و سازمان های تروریست می باشد؟ اند و این امر باعث تضادهای جدی در منطقه و جهان شده است. حالا بحث این است که تعریف ریاض و ایتلاف نظامی که بر محوریت این کشور تشکیل شده است از تروریسم، چیست؟ از منظر این ایتلاف ایران در منطقه قرار دارند. عربستان سعودی و گروه های طالبان، القاعده، داعش، بوکوحرام، جبهه النصره و... این جنب و جوش بیشتر از اینکه جهت مبارزه با تروریسم شکل گرفته باشد، سیاسی است. در گام نخست، اکثر این کشورها در نقطه ای مقابل ایران در منطقه قرار دارند. عربستان سعودی و ترکیه به عنوان پرچم دار و دیگران به عنوان دنباله رو، همواره منتقد و رقیب منطقه ای ایران بوده اند. و در گام دوم، هر یک از این کشورها چالش ها و مشکلات سیاسی دارند که می خواهند تحت عنوان مبارزه با تروریسم به آن چالش ها فایق آیند.

اگر قرار باشد که افغانستان در این ایتلاف شرکت نماید، آیا عربستان و کشورهایی که تا به حال در برابر داعش اعلام موضع جدی و مبارزه جدی نکرده است، زین پس به صورت جدی موضع خواهد گرفت؟ آیا جهت درهم کوبیدن گروه داعش از ولایت ننگرهار کشور، همکاری خواهند کرد؟

بنابراین، موضع گیری کشورهای عضو این ایتلاف از جمله عربستان، ترکیه، مصر و پاکستان در برابر تروریسم و جریان های تروریستی خطرناک در منطقه، مشخص، واضح نیست. در این صورت افغانستان با شرکت در این ایتلاف چیزی حصول نخواهد کرد. هر چند که با توجه به خوش بینی سیاسی دولت مردان به صورت کلی و گرداندگان کنونی حکومت نسبت به عربستان و کشورهای عربی، بعید نیست که در این ایتلاف شرکت کنند. به نظر می رسد که این ایتلاف نظامی پیش از این که نظامی و به منظور مبارزه با تروریسم باشد، یک صف بندی و صف آرای سیاسی منطقه ای در برابر روسیه و ایران است. دولت های عربی و ترکیه و دولت های غربی در یک طرف رقابت و روسیه و ایران در طرف دیگر رقابت، برسر مسایل منطقه ای باهم مشکل دارند و در صدد بردن بازی هستند. رد پای این رقابت ها در همه کشورهای منطقه به ویژه در دو کشور سوریه و یمن به خوبی دیده می شود. به هر حال، به نظر می رسد که ایتلاف ریاض بیشتر سیاسی، به منظور تقویت جبهه مخالف ایران و روسیه و در نهایت یک بازی سیاسی است.

اما در طرف دیگر، روسیه موقف صریح و واضح در برابر تروریسم داشته است. این کشور نقش گسترده در راستای مبارزه با تروریسم داشته و ضربات جبران ناپذیری بر تن داعش کوبیده است.

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگتر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com  
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسول: محمد رضا هویدا  
سردبیر: حفیظ الله زکی  
کاریکاتوربست: خالق علی زاده

دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری  
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۳۷

